

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هشتم، شماره چهاردهم، بهار و تابستان ۱۳۹۵

تحلیل سنگ‌نوشته‌های شهدای شیراز در جنگ تحمیلی از منظر نشانه‌شناسی

لایه‌ای* (علمی - پژوهشی)

دکتر مهرزاد منصوری^۱، لیلا دیانت^۲

چکیده

نشانه‌شناسی، مطالعه نظام‌مند نشانه‌هاست که به‌عنوان یکی از ابزارهای کارآمد امروز توانسته است در تحلیل بسیاری از متون مؤثر باشد و نشانه‌شناسی لایه‌ای به‌مثابه یک دیدگاه نظری، زمینه را برای تحلیل متون چندوجهی که شامل نشانه‌های زبانی و غیرزبانی است، فراهم می‌کند.

این پژوهش به تحلیل سنگ‌نوشته‌های قبور شهدا از منظر نشانه‌شناسی لایه‌ای پرداخته است. سنگ‌نوشته قبور شهدا به‌مثابه متون چندوجهی، حاوی نشانه‌های زبانی و غیرزبانی‌اند که کارکرد و نقش هر یک از این لایه‌های نشانه‌ای در این پژوهش، از منظر نشانه‌شناختی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. این پژوهش، نشان می‌دهد نقوش به‌کار رفته در سنگ‌نوشته‌ها و همچنین رنگ‌هایی چون سبز، قرمز و سیاه هر کدام در کنار نشانه‌های زبانی، نقش مهمی در انتقال مفهوم شهید و شهادت ایفا می‌کند؛ همچنین این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه نشانه‌های زبانی در قالب شعر و نثرهای کوتاه در انتقال مفاهیم موردنظر مؤثر می‌باشند. نوع نشانه به‌کار رفته، انسجام ساختاری، روابط همنشینی بین نشانه‌ها و همچنین انسجام کارکردی و انسجام معنایی این نشانه‌ها، باعث شده است تا این سنگ‌نوشته‌ها به زیباترین شکل، پیام خود را به رهگذران القا کنند.

واژه‌های کلیدی: نشانه‌شناسی، سنگ‌نوشته، شهدا، نشانه‌شناسی لایه‌ای، شیراز.

^۱ دانشیار بخش زبان‌های خارجی و زبان‌شناسی، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول):

mans1252000@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه رازی کرمانشاه.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۶/۲۶

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۳/۲/۲۵

۱- مقدمه

بررسی آثار به یادگار مانده از شهدا در قالب نظریه‌های علمی می‌تواند امکان استفاده و توجه بیشتر به این ذخایر را گسترش دهد. در این باره، دانش نشانه‌شناسی می‌تواند در تحلیل این آثار مؤثر واقع شود. این پژوهش با نگاهی نشانه‌شناختی می‌کوشد نشان دهد چگونه اجزای مختلف سنگ‌نوشته‌های قبور شهدا می‌تواند به مثابه لایه‌های نشانه‌شناختی، اهداف موردنظر شهدا را به صورتی دقیق به زائرین این قبور انتقال دهند.

۱-۱- بیان مسئله

بسیاری از نشانه‌شناسان معاصر، نشانه‌شناسی ساختگرایی محض را نپذیرفته و معتقدند که الگوی اولیه سوسور، خالی از اشکال نیست و تحلیل ساختگرایی را فقط یکی از روش‌های نشانه‌شناسی می‌دانند؛ زیرا نشانه‌شناسان ساختگرا بیشتر به رابطه عناصر با یکدیگر توجه دارند؛ اما نشانه‌شناسان اجتماعی به معنایی که خوانندگان و به نوعی گیرندگان پیام به نشانه‌ها می‌دهند، اهمیت داده و به نقش بافت نشانه‌شناختی در شکل‌دهی معنا تأکید می‌کنند. در این عصر چندرسانه‌ای، معنا به ندرت، تنها از طریق زبان دریافت می‌شود. آنچه امروز به عنوان معنا مدنظر است ترکیبی از نشانه‌های زبانی و غیرزبانی می‌باشد؛ بر همین اساس، می‌توان برداشتی چند نشانه‌ای یا لایه‌ای از یک رسانه داشت؛ از همین رو، (مارتین، ۱۹۹۲: ۳۸۱) در خصوص تحلیل گفتمان‌های چند نشانه‌ای و به عبارتی برای تحلیل متونی که در آنها از نشانه زبانی و غیرزبانی استفاده شده، دو منبع نشانه‌شناسی را بیان می‌کند: یکی زبان در رده نوشتاری و دیگری تصویرنگاری دیداری در گرافیک. وی برای این دو منبع نشانه‌شناسی، سه سطح را در نظر می‌گیرد: سطح اول یا سطح بیانی، سطح دوم یا سطح محتوا که این سطح خود شامل دولایه دستور و معناشناسی است و سطح سوم یا سطح بافت که این سطح نیز، شامل سه لایه سبک، ژانر و ایدئولوژی می‌باشد. سطح بیانی در ارتباط با ساخت متن است.

۱-۲- پیشینه تحقیق

پژوهش‌های ارزنده‌ای در زمینه‌های مختلف از منظر نشانه‌شناسی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به انوشیروانی (۱۳۸۴)، رحمدل شرفشاده‌ی (۱۳۸۴)، منصوری (۱۳۸۵ و ۱۳۸۶)، توگلی (۱۳۸۶)، فرامرزی (۱۳۸۷)، سجودی (۱۳۸۸)، اکرمی (۱۳۸۸)، اعظم کثیری، رهنورد و دیباج (۱۳۸۸)، حیاتی (۱۳۸۸)، کاکه‌رش (۱۳۸۸)، کامران (۱۳۸۵)، میرباقری فرد و نجفی (۱۳۸۸)، صفوی (۱۳۸۸)، داودی مقدم (۱۳۸۸)، مقدم (۱۳۸۸)، فرهنگی و یوسف‌پور (۱۳۸۹)، مهمکار خیراندیش (۱۳۸۹)، برکت و افتخاری (۱۳۸۹)، سروی زرگر (۱۳۸۹)، نجفیان، عامری و قیومی (۱۳۸۹)، حسین‌نیا کلور و سجودی (۱۳۹۰)، سروی زرگر (۱۳۹۰)، فتحی (۱۳۹۰)، نامدارزاده (۲۰۱۱) اشاره کرد.

انوشیروانی (۱۳۸۴) به تحلیل نشانه‌شناختی شعر زمستان اخوان ثالث پرداخته‌است. وی معتقد است که شاعر، مبدع نشانه‌هاست و از طریق نشانه‌ها و روابط حاکم میان آن‌ها، معنا را به خواننده منتقل می‌کند. شعر زمستان به‌عنوان نشانه یا دال، دلالت بر سرما (مدلول) دارد و روابط همنشینی؛ یعنی روابط عناصر شعری با یکدیگر با توالی و ترکیبی خاص، بیانگر معنا و مفهوم شعر است. منصوری (۱۳۸۵)، ضمن معرفی تاریخچه مختصر نشانه‌شناسی، تکامل و تحول‌پذیری نشانه‌ها و تأثیر آن بر هنر را مورد بررسی قرار داده‌است. در این پژوهش، عواملی مانند شفافیت معنایی، بسامد تکرار و میزان انگیزتگی به‌عنوان عوامل تأثیرگذار که در تقویت و حفظ نشانه، مؤثر است، بیان شده و عواملی چون عدم کاربرد نشانه در موارد قابل انتظار، کاربرد نشانه در موارد غیرقابل انتظار و تعطیل شدن عامل حفظ نشانه به‌عنوان عوامل بازدارنده، ذکر شده است. منصوری (۱۳۸۶)، همچنین در پژوهش دیگر خود به توصیف و تحلیل ترجمه از منظر نشانه‌شناسی پرداخته‌است. وی معتقد است که از منظر نشانه‌شناسی آنچه در ترجمه مهم است، یافتن نزدیک‌ترین تصویری است که از نشانه زبانی مبدأ و مقصد ایجاد می‌شود؛

همچنین وی فرایند معادل‌یابی در ترجمه را به‌نوعی بازی تشبیه کرده که مترجم در این بازی به روش آزمون و خطا، نزدیک‌ترین تصویر صوتی در زبان مقصد را برای تصویر صوتی مبدأ می‌یابد. توکلی (۱۳۸۶) به نشانه‌شناسی واقعهٔ دقوقی می‌پردازد. واقعهٔ دقوقی، مملو از جنبه‌های رمزی و عناصر تأمل‌برانگیز است. در این روایت، کوشیده شده تا تمایز منطق عالم غیب و شهادت پدیدار شود. در این مقاله، با رهیافتی نشانه‌شناختی به معرفی نمادها و صحنه‌های مکاشفهٔ دقوقی پرداخته شده است. اکرمی (۱۳۸۸) به بررسی غزلی از حافظ از دیدگاه نشانه‌شناسی پرداخته است. حافظ در غزلی که آگاهانه بر پایهٔ دو آرایهٔ تضاد و ایهام بنا شده، دو شیوهٔ زهد و رندی را بیان می‌کند که یادآور جدال همیشگی خیر و شر است.

حیاتی (۱۳۸۸) به بررسی عناصر متقابل در تصویرپردازی اشعار مولانا از منظر نشانه‌شناسی می‌پردازد. وی معتقد است که در تصویرپردازی‌های مولانا، عناصر متقابل ذهنی و عینی که با شگردهای بیانی و بلاغی همراه است، بازتاب جهان‌بینی عرفانی اوست.

کاکه‌رش (۱۳۸۸)، با نگاهی گذرا به غزلیات مولانا، نمونه‌هایی از ساختار شکنی را در این غزل نشان می‌دهد. در غزلیات مولانا، ساختار شکنی تنها محدود به سطح زبانی نیست، بلکه به معنا و محتوا و حتی روش طریقت او راه یافته است. نشانه‌ها و رمزها در شعر مولانا، فقط اصول حاکم بر میراث تصوّف نیست؛ بلکه ابداع مولانا در به‌کارگرفتن نشانه و انتقال اهداف و معانی آنهاست. میرباقری‌فرد و نجفی (۱۳۸۸) نیز، کاربرد الگوی نشانه‌شناختی پیرس را در زبان مولانا بررسی می‌کنند. در زبان مولانا، نشانه‌های نمادین کمتر به کار رفته و در مواردی هم که این نشانه‌ها حضور دارد، شاعر آن را از دلالت‌های قراردادی مطلق آزاد می‌کند و گستردگی معنایی به آن می‌بخشد؛ همچنین مولانا، دلالت نشانه‌ها را بر اساس تجربه‌ها و دیدگاه‌های عرفانی خود انتخاب کرده است.

صفوی (۱۳۸۸) به چگونگی عملکرد نشانه‌های زبان در آفرینش‌های ادبی

پرداخته‌است. وی ابتدا به معرفی نشانهٔ زبان به مثابهٔ واحد نظام زبان پرداخته و سپس برحسب مفروضاتش، بحثی دربارهٔ شیوهٔ حضور نشانه زبان در خلقت ادبی به پیش کشیده است. وی بر این باور است که هر قراردادی که قرار باشد ما را به درک زبان و ادب برساند، ابتدا باید در زبان خودکار وضع شده باشد. داودی مقدم (۱۳۸۸)، حکایت شیخ صنعان را از دیدگاه تقابل نشانه‌ها بررسی می‌کند. حکایت شیخ صنعان، مانند بسیاری از حکایات عرفانی، سرشار از عناصر رمزی و هنجارگریزی‌های نمادین است.

برکت و افتخاری (۱۳۸۹)، با نظریهٔ مایکل ریفاتر که یکی از نظریه‌های نشانه‌شناسی است به تحلیل نشانه‌شناختی شعر «ای مرز پرگهر» از اشعار فروغ فرخزاد پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده از این رویکرد و حتی رویکردهای نظیر آن، برای بررسی اشعار معاصر فارسی امکان خوانش خلاق‌تری را فراهم می‌کند. فرهنگی و یوسف‌پور (۱۳۸۹) به تحلیل نشانه‌شناختی ادبی شعر «الفبای درد» سرودهٔ قیصر امین‌پور پرداخته‌اند و رمزگان‌های مربوط به خالق اثر، زیبایی‌شناسی کلام، روابط بینامتنی، زمان و مکان، نحو و رمزگان‌های روایی این اثر نشان داده شده است.

سروی زرگر (۱۳۹۰) به تحلیل نشانه‌شناختی داستان سگ و لگردد، اثر صادق هدایت پرداخته‌است. وی در این مقاله، مرکز‌دایی یا انسجام سوژه را بررسی کرده که یکی از مفاهیم مهم پساساخت‌گرایی است. وی معتقد است که با مطالعهٔ سوژهٔ سگ و لگرددی به نام پات که بی‌شبهت به یک سوژهٔ انسان منزوی و سرگردان نیست، می‌توان به رمزگان روایت و ساختار حاکم بر آن دست یافت.

نامدارزاده (۲۰۱۱)، از اصول نشانه‌شناسی اجتماعی برای تحلیل ایدئولوژیکی متن استفاده کرده است. وی در پژوهش خود، با استفاده از الگوی هاج و کرس (۱۹۹۶) از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی به تجزیه و تحلیل دکتر جکیل و آقای هاید، اثر استیونسون پرداخته‌است و به این نتیجه رسیده‌است که نویسندهٔ مقاله خواسته‌است که عقایدش را دربارهٔ شخصیت‌های داستان و در سطحی بالاتر،

باورهایش در مورد ذات انسان را به خواننده تحمیل کند. در پژوهش‌های فوق، هیچ‌کدام به‌طور مشخص به لایه‌ای بودن نشانه‌ها و لزوم توجه به پدیده‌های مورد بررسی به‌عنوان لایه‌هایی که بر هم سوار شده یا در کنار هم قرار گرفته‌اند، نپرداخته‌اند. در خصوص نشانه‌شناسی لایه‌ای تا آنجا که نگارندگان بررسی کرده‌اند، پژوهش‌های عمده‌ای به‌جز آنچه در این قسمت اشاره شده است، صورت نگرفته است. سجودی (۱۳۸۸)، با نگاهی به رسانه، ادبیات و هنر خوشنویسی، نوشتار را از نظر نشانه‌شناسی بررسی می‌کند. او معتقد است که در نوشتار، دلالت زبانی، عمدتاً نمادین، دلالت‌های پیرا زبانی نمایه‌ای و در سطح غیرزبانی هر سه نوع دلالت نمادی، نمایه‌ای و شمایی دیده می‌شود. وی از دیدگاه نشانه‌شناسی لایه‌ای به بررسی یک بنا در حکم یک متن پرداخته و نشان داده که چطور لایه‌های متفاوت بر هم تأثیر می‌گذارند و یکدیگر را تقویت یا تخریب می‌کنند. سجودی، شاه طوسی و فرحزاد (۱۳۹۰)، با بررسی ترجمه بین زبانی و ترجمه بین نشانه‌ای «مرگ دستفروش» از منظر نشانه‌شناسی انتقادی به زبان‌شناسی لایه‌ای نیز توجه کرده‌است.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

بررسی آثار به‌جامانده یا به نحوی مربوط به شهدا، از زوایای متفاوت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هرگاه این مهم موجب تقویت یا نقد یک نظریه علمی و یا اینکه خود موجب به وجود آمدن پنجره‌ای نو در دانش شود، از اهمیت دوچندانی برخوردار خواهد بود. این پژوهش می‌کوشد که با استناد به لایه‌های متفاوت نشانه‌شناختی موجود در سنگ‌نوشته‌های گلزار شهدا، هماهنگی این لایه‌های نشانه‌شناختی را در انتقال مفاهیم مربوط به شهید و شهادت نشان دهد.

۲- بحث

سنگ‌نوشته‌های قبور شهدا، همچون قاب‌هایی هستند که نوشته‌ها، طرح‌ها و نقوش در آن محصور شده‌اند. از آنجا که نشانه‌های زبانی و نشانه‌های غیرزبانی

مانند نقوش، شکل، طرح، ... در یک صفحه بیان و تحلیل می‌شوند؛ بنابراین، منطقی به نظر می‌رسد که بین این دو وجه (نشانه‌های زبانی و نشانه‌های غیرزبانی) موقعیت یکسانی را فرض کنیم. رسانه سنگ‌نوشته‌ها، رسانه دیداری است که شامل نشانه‌های زبانی (نوشتار) و نشانه‌های غیرزبانی (طرح‌ها و رنگ) است و در چگونگی خوانش متن کمک می‌کند.

۲-۱- نشانه‌های زبانی

نشانه زبانی، نه تنها ارتباط یک شی و یک دال؛ بلکه پیوند یک مدلول با صورت آوایی یا نوشتاری است. بر این پایه هر نشانه زبانی، مفهومی را در قالب نوشتار یا گفتار انتقال می‌دهد. واژه‌های به کار رفته در این سنگ‌نوشته‌ها در حکم نشانه‌های زبانی هستند که در آن دال صورت نوشتاری، مدلول همان مفهوم متعارف در هر جامعه است و رابطه دلالت، بین این دو نیز، ثابت و عموماً قراردادی است.

در نظام نوشتاری زبان فارسی، هر نویسه ارزش خود را از رابطه افتراقی با دیگر نویسه‌ها به دست می‌آورد؛ به عنوان مثال، نویسه /ش/ از نویسه /س/ متفاوت است و همین تمایز، باعث می‌شود هر یک از این نویسه‌ها در نظام نوشتاری زبان فارسی، جایگاه مشخصی داشته باشند.

خطاطی روی سنگ‌نوشته‌ها از دیرباز، دارای اهمیت خاصی بوده است. می‌توان گفت که سنگ‌نوشته‌ها از جمله زیباترین و گویاترین تابلوهای خطی سنگی هستند. نوع خط استفاده شده در این سنگ‌نوشته‌ها، عموماً نستعلیق است. معمولاً جملات فارسی با نستعلیق و جملات عربی به خط نسخ است. شیوه نگارش سنگ‌نوشته‌ها تا حدودی متفاوت است.

نشانه زبانی در این سنگ‌نوشته‌ها، شامل آغازگر یا سرلوحه آغازین، مشخصات شهید، شعرها و در سطح دلالت غیرزبانی در نوشتار ممکن است که از تکنیک‌های ظریف کاری مانند استفاده از رنگ، نگارش کلمه با نوع و اندازه‌های متفاوت، شکل‌بندی هندسی نوشتار استفاده شود. این ظرافت‌هایی که در نوشتار

به کار می‌رود، عمدتاً برای برجسته‌سازی، تأکید و نشان‌دار کردن متن است.

۲-۱-۱- آغازگر یا سرلوحه آغازین

معمولاً اولین نشانه زبانی که از بالا به پایین سنگ‌نوشته دیده می‌شود، آغازگر یا سرلوحه آغازین است. این آغازگرها عبارت‌اند از:

۱). نام و القاب خداوند که عبارت‌اند از: بسم‌الله الرَّحْمَن الرَّحِيم، بسم رب الشهداء، بسمه تعالی، هو القدوس.

این نشانه‌ها، یاد و نام خداوند را که معبود و محبوب شهید است و به خاطر آن به شهادت رسیده‌است را خاطر نشان می‌سازد. در «بسم رب الشهداء»، این نگاه را اختصاصی‌تر ساخته و خدا را به شهدا اختصاص داده‌است.

۲). آیه‌های قرآن که عبارت‌اند از:

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا... (کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، آل عمران: ۱۰۹).

فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ... (خداوند جهادگران ... (نساء: ۹۵)).

وَالْفَجْرِ وَ لَيَالٍ عَشْرٍ (قسم به فجر و شب‌های ده گانه (فجر: ۲۱)).

این آیه‌ها، هریک به نوعی اهمیت شهید و شهادت را به خواننده و بیننده متن القا می‌کند. آیه اوّل و دوم به صورت مستقیم و آیه سوم به صورت غیرمستقیم این مهم را به انجام می‌رسانند.

۳). نام و یاد سیدالشهدا و امام زمان

در برخی از سنگ‌نوشته‌های مورد بررسی، موارد زیر به‌عنوان آغازگر مشاهده شد.

الف) السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ... (سلام بر تو ای خونی که خونخواهش خداست ...).

این مورد نیز، اشاره بر این واقعیت دارد که شهید به امام سوم شیعیان تاسی کرده و وی را سرمشق خود قرار داده‌است.

ب). یا قائم آل محمد

این عبارت اشاره به امام عصر (عج) دارد. امامی که نویدبخش پیروزی و منجی عالم بشریت است که با ظهورش همه جا را پر از عدل و داد می‌کند. هر مظلوم و دادخواهی در هر جایی که باشد او را با این نام می‌خواند تا فریادرسش باشد.

۴). جملات کوتاه فارسی

جملات کوتاه مشاهده شده در این پژوهش عبارت‌اند از:

الف)- شهید شاهد بزم الله است. ب)- شهید قلب تاریخ است ج)- یاد شهیدان یاد خداست.

جملات فوق نیز اهمیت شهدا را خاطر نشان می‌سازد.

مجموعه نشانه‌های زبانی به کار رفته به عنوان آغازگر، چستی شهید را ارائه می‌کند. در این معرفی، آغازگرها، این مهم را به ذهن زائر شهید القا می‌کند که راه شهید راه خداست و این راه بسیار مهم است.

۲-۱-۲- مشخصات شهید

بعد از نشانه‌های زبانی که به عنوان آغازگر به کار رفته‌اند و به صورتی عام شهید، راه و هدف شهید در این سنگ‌نوشته‌ها معرفی می‌شود؛ مجموعه‌ای از نشانه‌های زبانی قرار دارد که شهید را به صورت خاص معرفی می‌کند. این مشخصات عبارت‌اند از:

۱) نام، نام خانوادگی (۲) نام پدر (۳) تاریخ و محل تولد

این قسمت از سنگ‌نوشته در حکم شناسنامه یا کارت شناسایی شهید است. این نشانه‌های زبانی، علاوه بر کارکرد عمومی که در همه سنگ‌نوشته‌ها ممکن است یافت شود؛ در سنگ‌نوشته شهدا کارکرد دیگری نیز دارد و آن این که شهید موجودی آسمانی نیست، فردی از همین جامعه است که مانند هر انسان دیگر می‌زیسته است و تو احتمالاً با این مشخصات او را می‌شناسی و در همین شهر یا روستا زندگی می‌کند.

۴) تاریخ و محل شهادت (در برخی موارد نام عملیات)

این نشانه‌های زبانی نیز، نشان می‌دهند که محل شهادت شهید کجاست. فاصله تاریخ تولد و شهادت، جوان بودن شهید را خاطر نشان می‌سازد. از منظر عموم مردم، سن جوانی سن مردن نیست. سنی است که فرد می‌بایست در عیش و نوش دنیا باشد. فاصله کم تولد تا شهادت، این مهم را به ذهن زائر شهید القا می‌کند که شهید جوانی اش را در راه و هدفش که حفظ دین و کشور بوده است، گذاشته است.

۲-۱-۳- درجه نظامی شهید هنگام شهادت

سومین بخش از نشانه‌های زبانی به کار رفته در سنگ‌نوشته‌ها، واحد نظامی مربوطه و درجه شهید می‌باشد که می‌توان به صورت زیر نشان داد:

(۱) واحد نظامی مربوطه

پاسدار شهید (پاسدار وظیفه شهید)، سرباز شهید (سرباز وظیفه شهید)، شهید بسیجی، جهادگر شهید، طلبه بسیجی، رزمنده بسیجی، مسئول آموزش عقیدتی - سیاسی مرکز پیاده، دیپلم وظیفه شهید.

(۲) درجه نظامی شهید

امیر سرتیپ دوم، استوار دوم، ستوان یکم طلبه شهید، ستوان یکم شهید. این نشانه‌های زبانی، هر کدام به گروهی از رزمندگان با مشخصات مخصوص به خود مرتبط می‌شوند.

۲-۱-۴- اشعار، پیام‌ها یا فرازی از وصیت‌نامه شهید

در پایان و در مواردی هم در حاشیه سنگ‌نوشته‌ها، اشعار و پیام‌ها قرار گرفته‌اند. اشعار و وصیت‌نامه شهید، نوعی از ادبیات مکتوب می‌باشد. این گونه ادبیات را باید در سطح محتوا و مستقل از سطح بیان، مورد بررسی قرارداد؛ زیرا که ادبیات در سطح محتوا جای دارد (اصغری، ۱۳۹۰: ۱۷۲). اشعار به لحاظ رمزگان هنری و پیام زیبایی‌شناختی آن، از نظام نشانه‌ای پیچیده‌ای برخوردار است؛ به عبارتی ساختار متن، یک نشانه زبانی گسترده است. برخلاف شباهت ظاهری متون زبانی

یا متون ادبی، کشف روابط دستوری بین واژه‌ها در متون ادبی به کشف معنای اثر منجر نمی‌شود؛ بلکه باید علاوه بر روابط دستوری به روابط ادبی بین نشانه‌ها هم توجه کرد؛ بنابراین مهم‌ترین خصوصیت نشانه‌های ادبی، بی‌ثباتی و ناپایداری رابطه دال و مدلول در آن‌هاست و به همین دلیل است که معنا در متون ادبی؛ مانند اشعار و پیام‌های سنگ‌نوشته ابلاغ نمی‌شود؛ بلکه القا می‌شود. وصیت‌نامه شهید، یک سند افتخار است، یک ورق تاریخ و یک اساس‌نامه است؛ لذا حک کردن وصیت‌نامه شهید روی این سنگ‌ها، ابداع یک ارزش و معیار جدید فرهنگی است. در یک نمای کلی می‌توان نمای کلی یک سنگ‌نوشته شهید را به صورت زیر نشان داد.

شکل (۱). نمای کلی نشانه‌های زبانی



لازم به ذکر این نکته است که در بسیاری از سنگ‌نوشته‌ها، درجه و واحد اعزامی به همراه مشخصات آمده است؛ مانند پاسدار شهید، سروان خلبان و... در این سنگ‌نوشته‌ها، هر دو نوع از انواع ژانر؛ یعنی نظم و نثر دیده می‌شود.

۲-۱-۴-۱- اشعار

اشعار در این سنگ‌نوشته‌ها، با توجه به محتوا و ساختار به صورت‌های زیر تقسیم می‌شوند:

الف. محتوا

اشعار با توجه به مضمون و محتوایشان به صورت اشعار عاطفی، اشعار مذهبی، اشعار حماسی، اشعاری در وصف شهید و مقام و منزلتش، رابطه عاشقانه شهید با خدا، اطاعت از رهبری، اشعاری درباره خود شهید، ناپایداری دنیا و برتری آخرت، تکریم مبارزه و جهاد، کنایه‌ای از ناکام ماندن شهید، تشکر از زائرین قبور شهدا و تکریم ذکر الله اکبر شهید تقسیم می‌شوند. در این قسمت تنها به ذکر یک مثال از هر کدام بسنده می‌شود.

(۱) اشعار عاطفی:

شدم با اولیا و انبیا هم بزم و هم آیین / مکن از بهر من گریه، بین عز و وقار من
(۲). تاسی شهدا از شخصیت‌های دینی:

من تشنه لبم آب حیاتم بدهید / راهی به سفینه النجاتم بدهید
من تذکره کربلا می‌خواهم / ای آل محمد این براتم بدهید
۳- اشعار حماسی:

قیام ما قیام حق کشی نیست / مرام ما مرام خامشی نیست * هر کجا فریاد آزادی
منم / من در این فریادها تن می‌زنم.

۴- اشعاری در وصف خود و مقام و منزلت شهید

بر مزارش لاله می‌روید نمی‌دانم چرا / خاکی این سان لاله خیز و مشکبو دارد شهید

۵- رابطه عاشقانه (عارفانه) شهید با خدا

ای که با نامت جهان آغاز شد / دفتر من هم به نامت باز شد

دفتری کز نام تو زیور گرفت / کار او از چرخ بالاتر گرفت

۶- اطاعت از رهبر

بهر جانبازی و ایثار و شهادت حاضریم / از ره صدق و صفا راه شهیدان می‌روم

می‌روم آنجا که رهبر می‌دهد فرمان حق / من به نزد مجری احکام قرآن می‌روم

۷- اشعاری درباره خود شهید

نامت علی و شهرت تو بود دهخدا / در سایه جلالت در ظل جان دوست

بودی محمدی و تو هرگز نمرده‌ای / درس هجده شدی عذرخوان دوست

بر روی خاک گرم (ز بیدارت) ای عزیز/ گشتی شهید دوست تو با یک نگاه دوست
در بیستم ۱۳۶۱ تو ز بهمن به سوی خلد/ گشتی روانه‌ای گل پرپر به راه دوست
غالباً این اشعار به دلیل اینکه به وسیله افراد ناآشنا به صنعت شعری سروده
شده است، دارای ضعف جدی است.

۸- ناپایداری دنیا و برتری آخرت

تا چند اسیر رنگ و بو خواهی شد / چند از پی هر زشت و نکو خواهی شد
گر چشمه زمزمی و گر آب حیات / آخر به دل خاک فروخواهی شد
۹- تکریم مبارزه و جهاد

یا ما سر خصم را بکویم به سنگ / یا او سرما به دار سازد آونگ
القصه در این زمانه پر نیرنگ / یک کشته بنام به که صد زنده به ننگ
۱۰- کنایه‌ای از ناکام ماندن شهید

بسیاری از شهدا، قبل از ازدواج به شهادت رسیدند. در این اشعار
مرگ در راه خدا حجله دامادی ماست / ای خدا حجله به آیین ده و دامادم کن
۱۱- تشکر از زائرین قبور شهدا

به خاکم پانهادی از تو دارم شرمساری‌ها / ندارم جان که برخیزم نثار مقدمت سازم
۱۲- تکریم ذکر الله اکبر شهید

وقتی که ریخت شهد شهادت در کام تو/ تکبیر بود در دم آخر کلام تو

ب. اشعار سنگ‌نوشته‌ها به لحاظ ساختار

به لحاظ ساختار، اشعار به هفت دسته تقسیم می‌شوند: اشعار یک بیتی، دوبیتی، سه
بیتی، چهار بیتی، پنج بیتی، شش بیتی و مصرع. برخی از اشعار این سنگ‌نوشته‌ها،
مربوط به شاعران نامدار است؛ اما برخی دیگر از این اشعار، ساخته‌آشنایان و
دوستان است و به لحاظ صنعت شعری چندان قوی نمی‌باشد و هدف از ساخت
چنین اشعاری، بیان دلتنگی در فقدان شهید، معرفی ویژگی‌ها یا خود شهید به
صورت موزون است.

شهید گشت نوجوان علی اکبر حسن دائی / به وقت نماز در لباس سربازی
از آن زمان که به میدان عشق روی نهاد / گذشت ز هر چه در او بود جز وفاداری
(ب) جملات قصار یا فرازی از وصیت نامه‌ها

- ۱- نه برای خاک و آب؛ بلکه برای مکتبم، اسلام، می جنگم.
- ۲- من با چشم باز و گوش شنوا و مشت گره کرده و فکری باز به استقبال شهادت رفته‌ام.

این عبارات و جملات قصار که فرازی از وصیت نامه شهید است، بیانگر اعتقاد، ایمان و عزم راسخ او برای دفاع از اسلام، قرآن و میهن اسلامی است.

۲-۲- نشانه‌های غیرزبانی در سنگ‌نوشته‌های قبور شهدا

نشانه‌های غیرزبانی، همچون نشانه‌های زبانی به مخاطب کمک می‌کنند تا درک بهتری از معناها در تحلیل متون داشته باشد. نشانه غیرزبانی قبور شهدا، شامل نقوش و رنگ‌ها می‌باشد. در این قاب مستطیل شکل، طرح‌ها و نقوش متنوعی به چشم می‌خورد. نقش‌ها، زبان گویایی هستند که گاهی می‌توان مطالب زیادی را در قالب یک نقش به راحتی بیان کرد. یکی از متداول‌ترین طرح‌ها و نقوش، گل لاله است. از نقوش دیگر می‌توان به نقش پرندۀ در حال پرواز یا پرندۀ همراه با نامه، نقش چتر روی سنگ قبور شهدای چترباز، نقش عقاب در حال پرواز روی سنگ قبر شهدای خلبان، نقش گنبد و گل دسته مسجد یا نقش قلم و دوات روی سنگ‌نوشته‌های شهدای طلبه و روحانی و نقش آرم سازمان‌ها و ارگان‌ها اشاره کرد. آرم‌ها به سازمان یا ارگانی که شهید از طرف آن به جبهه اعزام شده مربوط است؛ از جمله آرم سپاه برای شهدای سپاه و بسیج، آرم جمهوری اسلامی برای شهدای ارتش، آرم کمیته برای شهدای کمیته و آرم جهاد سازندگی برای شهدای جهاد سازندگی.

دلالت‌های مستقیم و ضمنی در ارتباط با مدلول‌ها مطرح می‌شوند. در دلالت‌های مستقیم، تمایل به ارائه معنای معین، ملفوظ، آشکار یا مطابق عقل سلیم برای نشانه وجود دارد. در نشانه‌های زبانی، معنای مستقیم همان است که در لغت‌نامه‌ها می‌توان

یافت؛ مثلاً دلالت مستقیم پرنده، همان ویژگی‌های متعارف یا کلیشه مربوط به پرندگان است؛ اما در سنگ‌نوشته قبور شهدا، این پرنده نمادی از آزادی و وارستگی است؛ به عبارت دیگر دلالت ضمنی آن به پرواز ملکوتی شهید اشاره دارد. اصطلاح دلالت ضمنی، برای ارجاع به معناهای اجتماعی- فرهنگی و شخصی نشانه به کار می‌رود و به طبقه، سن، جنسیت و نژاد تفسیرگر بستگی دارد. در این سنگ‌نوشته‌ها میان دالّ یا به‌عنوان مثال، نقش گل لاله و مدلول یا مفهوم آن و به‌عبارتی، تصوّر ذهنی از گل لاله، هیچ‌گونه ارتباط طبیعی وجود ندارد؛ بلکه رابطه بین نقش گل لاله و مفهوم آن رابطه‌ای قراردادی است و نشانه‌ها به دلیل ماهیت قراردادی خود، ارزش‌های گوناگون می‌یابند. نقش گل لاله، ارزش ویژه‌ای دارد؛ اما نشانه‌هایی وجود دارند که ارزش جمله‌ای دارند؛ برای مثال، طرح آرم حک شده بر روی این سنگ‌نوشته‌ها؛ یعنی اینکه شهید عضو این سازمان یا نهاد است.

۲-۲-۱- طرح‌های حاشیه و نقوش

(۱) گیاه

یکی از متداول‌ترین طرح‌های حاشیه در سنگ‌نوشته‌ها، گل لاله و گیاه است که بیشتر طرح‌های حاشیه را شکل می‌دهند. گیاه، نمادی است از زندگی و حیات و کنایه‌ای است از زندگی جاوید پس از مرگ.

(۲) گل لاله

لاله، نمادی است از شهادت و خون سرخ شهیدان. اولین بار ملک‌الشعرا بهار بود که این تشبیه زیبا را به کار برد و خون سرخ شهیدان را به گل لاله تشبیه کرد.

(۳) پرنده

نقش پرنده در حال پرواز یا به همراه نامه به پرواز ملکوتی شهید اشاره دارد. پرنده، نمادی از آزادی و وارستگی است.

(۴) کتاب

نقش کتاب باز، نمادی از آغاز و پایان زندگی شهید است؛ همچنین این نقش، می‌تواند نمادی از قرآن باشد. شهید نیز، با عنایت به مفاهیم این کتاب مقدس به جنگ دشمن غاصب رفته و راه شهادت را انتخاب کرده است.

۵) طرح‌های مربوط به رسته و تخصص

نقش چتر، عقاب، قلم و دوات، گنبد و گل دسته هم نمادی از حرفه و شغل شهید است.

یکی از نخستین شرط‌های زندگی اجتماعی این است که شخص بتواند هویت اشخاص و گروه‌ها را بازشناسد که این کارکرد یا نقش نشانه‌ها و شاخص‌هاست. پی‌روگیرو (گیرو، ۱۳۸۰: ۱۱۷) در تقسیم‌بندی نشانه‌ها، آرم (نشانه گرافیکی و مشخص نهاد و سازمان‌ها) را جزء نشانه‌های هویت دسته‌بندی می‌کند. نشانه‌های زیبایی‌شناختی به خاطر منش شمایی‌شان بسیار کمتر از نشانه‌های منطقی قراردادی هستند و بنابراین کمتر، رمز پرداخته شده‌اند. آرم در این سنگ‌نوشته‌ها، نشانه سازمان و ارگانی است که شهید به جبهه اعزام شده است.

یکی از ابعاد مورد بحث در خصوص نشانه‌ها، بحث تغییرپذیری یا تحوّل نشانه‌هاست که این مسئله اولین بار به وسیله سوسور مطرح شد. نشانه‌ها چه از بعد همزمانی و چه از بعد در زمانی، قابلیت تغییرپذیری دارند.

۲-۲-۲- رنگ‌ها

ون لیوون و کرس (۲۰۰۲: ۳۵۱) معتقدند که رنگ، نظام دستوری خودش را دارد؛ رنگ به تنهایی نمی‌تواند وجود داشته باشد و تنها می‌تواند در یک محیط چندوجهی باقی بماند؛ اما نظرات دیگری درباره رنگ وجود دارد. رنگ را به عنوان یک نشانه اجتماعی در لایه بیانی قرار می‌دهند و نظام‌های مربوط به آن را به عنوان زیرمجموعه این نظام در نظر می‌گیرند. سنت (مارتین، ۱۹۹۰: ۹) معتقد است که دو شخص ممکن است به یک رنگ نگاه کنند؛ اما آن را متفاوت ببینند؛ زیرا ارزش دلالت صریح و دلالت ضمنی به بافت فرهنگی اجتماعی مخاطب بستگی دارد؛

مثلاً رنگ قرمز ممکن است در بافت اروپایی، دلالت بر خطر داشته باشد و در بافت چینی، دلالت بر خوش اقبالی و شانس.

الف) رنگ سبز

این رنگ نشان اراده است و به لحاظ نمادی به درخت ریشه‌دار عمیقی می‌ماند که شکست‌ناپذیر است (لوشر، ۱۳۷۳: ۸۴-۸۳). خداوند در قرآن، نعمت‌های بهشتی، جامه و حله بهشتیان را با همین رنگ به تصویر می‌کشد. پیامبر ما حضرت محمد (ص) نیز، علاقه خاصی به این رنگ داشتند و پوشیدن این رنگ، یکی از سنت‌های ایشان بود و به همین دلیل این رنگ در میان ما مسلمانان نیز، رنگ محبوبی است. بسیاری از گنبدهای امامان و امامزاده‌ها را نیز به همین رنگ می‌بینیم و گنبد خضرا، همان‌طور که از اسمش پیداست همین رنگ را دارد. همچنین وقتی وارد حرم و زیارتگاه‌ها می‌شویم، این رنگ غالب است و به قلب و روح انسان آرامش می‌بخشد.

ب) رنگ قرمز

رنگ قرمز، نشانه آرزوی شدید برای تمام چیزهایی است که شدت زندگی و کمال تجربه را در پوشش خود دارد. قرمز، نمادی از شهادت است و شبیه به خونی است که در راه آرمانی و هدفی والا ریخته می‌شود (لوشر، ۱۳۷۳: ۸۶-۸۷). وی معتقد است که این رنگ، سیستم عصبی را تحریک و فشار خون را بالا برده و تنفس و ضربان قلب را سریع‌تر می‌کند؛ لذا رنگ قرمز، عامل محرکی بر سیستم عصبی شاخه سمپاتیک سیستم خود کار عصبی دارد؛ همچنین وی، قرمز را به لحاظ نمادی، شبیه خونی می‌داند که در هنگام پیروزی ریخته می‌شود و این رنگ را به شعله عید پنجاهه یا عید گلریزان تشبیه کرده است. این عید، یکی از اعیاد مقدس در دین یهود است که به مناسبت نزول تورات برگزار می‌شود.

ج) رنگ سیاه

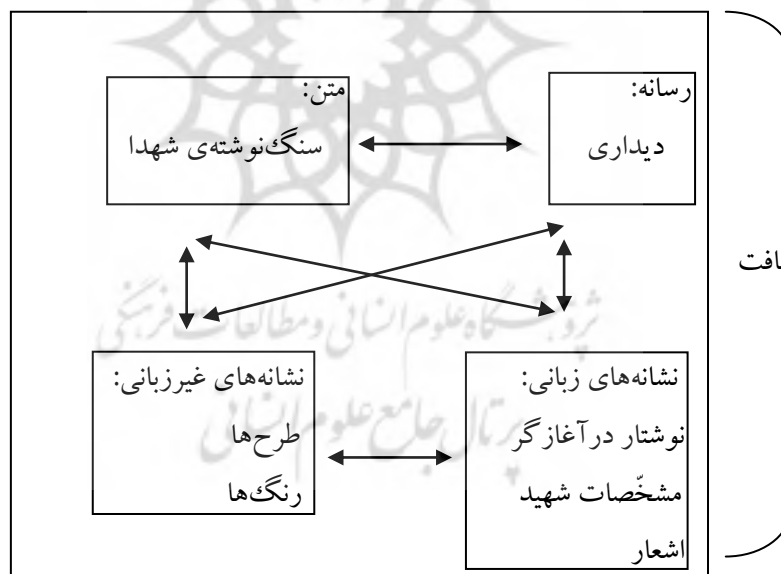
سیاه، تیره‌ترین رنگ است و شاید به همین دلیل است که می‌گویند بالاتر از سیاهی رنگی نیست؛ اما با وجود این، همه رنگ‌ها را در خود دارد؛ به عبارتی سیاه، ترکیبی از تمام رنگ‌هاست؛ یعنی اگر تمام رنگ‌ها را با هم مخلوط کنیم، این رنگ حاصل می‌شود. سیاه به‌عنوان نفی‌کننده خود، نشانه ترک علاقه و تسلیم و نمادی از غم و اندوه است؛ به همین علت است که این رنگ را رنگ عزای می‌دانند و در مراسم عزاداری، همه جا را با پارچه‌های سیاه آذین می‌بندند و لباس سیاه می‌پوشند و حتی از دسته‌های گلی که با روبان‌های سیاه تزئین شده استفاده می‌کنند.

در سنگ‌نوشته قبور شهدا نیز، از همین سه رنگ سبز، قرمز و سیاه استفاده شده است. رنگ سبز در کتیبه یا سرلوحة آغازین دیده می‌شود. نوشته‌ها به رنگ سیاه است؛ اما در بیشتر موارد نام شهید، درجه نظامی شهید، کلمه شهید و شهادت به رنگ قرمز است و نقش گل لاله را نیز به همین رنگ می‌بینیم؛ در واقع استفاده از رنگ در این سنگ‌نوشته‌ها به نوعی برای نشان‌دار کردن متن است و انتخاب این رنگ‌ها، انتخاب معناداری است تا پیام‌ها و معناها در قالب این رنگ‌ها انعکاس یابند.

از همنشینی لایه‌های رنگ، ژانر و طرح‌ها و نقوش در این سنگ‌نوشته‌ها، کلیت نظام‌مندی شکل می‌گیرد. رنگ‌ها، ژانر و طرح‌ها در محور جانشین به‌عنوان سازه‌های جانشین محسوب می‌شود؛ مثلاً در برخی از این سنگ‌نوشته‌ها، آغازگری که منثور است به رنگ سبز و اشعار که منظوم است به رنگ سیاه نوشته شده و در کنار این نوشته، طرح گل لاله به رنگ قرمز دیده می‌شود و از همنشینی این سازه‌ها در کنار هم ساختار سنگ‌نوشته منسجمی شکل گرفته است. در این سنگ‌نوشته‌ها به مثابه یک متن، بین لایه‌های زبانی و غیرزبانی انسجام دیده می‌شود. هر متنی در نظامی از روابط همنشینی، با لایه‌های دیگر قرار دارد که سبب انسجام در متن می‌شود. انسجام در این سنگ‌نوشته‌ها، سه دسته‌اند: انسجام ساختاری، کارکردی و معنایی. «انسجام ساختاری؛ یعنی اینکه اجزا نسبت به

یکدیگر در رابطهٔ همنشینی نظام‌مندی قرار دارند و انسجام کارکردی؛ یعنی اینکه اجزاء، علاوه بر رابطهٔ همنشینی دارای نظام‌مندی معناشناختی هستند. انسجام معنایی؛ یعنی اینکه اجزا با هم کلیت معناداری را شکل می‌دهند» (سجودی، ۱۳۸۸: ۳۴۵). لایه‌های تشکیل دهندهٔ این متن، هر یک بر اساس انتخاب از رمزگان‌های متفاوت تشکیل شده و در تعامل با یکدیگرند و بر هم تأثیر متقابل دارند. هر لایهٔ زبانی و غیرزبانی، خود به‌عنوان متنی در رابطهٔ همنشینی نظام‌مند و چندوجهی، کلیتی نظام‌مند را شکل داده‌است و معنا نیز در جریان کنش این نظام‌های نشانه‌ای شکل می‌گیرد.

نمودار (۲). نمای کلی ساختار نشانه‌شناختی لایه‌ای سنگ‌نوشته‌ها



۳- نتیجه‌گیری

در این پژوهش، نشانه‌های موجود در سنگ‌نوشته‌ها از منظر نشانه‌شناسی لایه‌ای، تحلیل و بررسی گردید. سنگ‌نوشتهٔ شهدا از دو لایهٔ زبانی و غیرزبانی تشکیل

شده و هر لایه، متشکل از مجموعه‌ای از لایه‌های دیگر است. لایه زبانی، شامل نوشتار در آغازگر، مشخصات شهید، اشعار و وصایا است. لایه غیرزبانی، شامل طرح‌ها، نقوش و رنگ می‌باشد که نقش و کارکرد هر یک از این لایه‌ها مشخص گردید؛ همچنین در این پژوهش، تحلیل شد که چگونه نشانه‌های زبانی در قالب آیات قرآن، شعر و نثرهای کوتاه در انتقال مفاهیم شهید و شهادت موثر می‌باشند. این پژوهش نشان می‌دهد که تحلیل این سنگ‌نوشته‌ها از منظر نشانه‌شناسی لایه‌ای، امکان‌پذیر است؛ چرا که نشانه‌شناسی لایه‌ای به مثابه دیدگاه نظری برای تحلیل متون چند وجهی که در آن از نشانه زبانی و غیرزبانی استفاده شده، کاربرد گسترده‌ای دارد.

در این پژوهش نشان داده شد که طرح‌ها و نقوش به کار رفته در سنگ‌نوشته‌ها و همچنین رنگ‌هایی چون سبز، قرمز و سیاه، هر کدام در کنار نشانه‌های زبانی، نقش مهمی را در انتقال مفهوم شهید و شهادت ایفا می‌کنند؛ به عبارتی، لایه‌های زبانی و غیرزبانی، با هم کلیت سنگ‌نوشته و مفاهیم موردنظر را شکل می‌دهند. بین لایه‌های متنی این سنگ‌نوشته‌ها به مثابه یک متن، انسجام ساختاری و کارکردی وجود دارد. نوع نشانه به کار رفته، انسجام ساختاری، روابط همنشینی بین نشانه‌ها و همچنین انسجام کارکردی باعث شده تا ورای این نشانه‌ها، پیام‌ها رمزگشایی شده و قابل دریافت باشند و به زیباترین شکل، پیام خود را به رهگذران القا کنند.

فهرست منابع

منابع فارسی

الف. کتاب‌ها

۱. سجودی، فرزانه. (۱۳۸۸). **نشانه‌شناسی: نظریه و عمل**. تهران: نشر علم.
۲. صفوی، کوروش. (۱۳۸۶). **آشنایی با نظام‌های نوشتاری**. تهران: نشر پژوهش‌های کیوان.
۳. گیرو، پی‌یر. (۱۹۷۳). **نشانه‌شناسی**. ترجمه محمد نبوی. تهران: انتشارات آگاه.
۴. لوشر، ماکس. (۱۳۷۳). **روان‌شناسی رنگ‌ها**. ترجمه ویدا ابی‌زاده. تهران: نشر درس.

ب. مقاله‌ها

۱. اصغری، سیده زهرا. (۱۳۹۰). «بررسی دو دیدگاه زبان‌شناسانه و نشانه‌شناسانه به ادبیات». فصلنامه علمی پژوهشی کاوش‌نامه. شماره ۲۲. صص ۱۶۱-۱۷۹.
۲. اعظم کثیری، آتوسا و زهرا رهنورد و موسی دیاج. (۱۳۸۸). «تقابل طبیعت و فرهنگ در نگاره زال و سیمرغ، تحلیل نشانه‌شناختی تصویری از شاهنامه طهماسبی». نشریه هنرهای زیبا. شماره ۳۷. صص ۱۰۳-۱۱۰.
۳. اکرمی، محمدرضا. (۱۳۸۸). «میر عاشقان، بررسی نشانه‌شناختی و روابط عمودی غزلی از حافظ». مجله بوستان ادب دانشگاه شیراز. شماره ۱. پیاپی ۵۵/۱. صص ۱-۱۳.
۴. انوشیروانی، علیرضا. (۱۳۸۴). «تأویل نشانه‌شناختی ساختگرای شعر «زمستان» اخوان ثالث». پژوهش زبان‌های خارجی. شماره ۲۳ بهار. صص ۵-۲۵.
۵. برکت بهزاد و طیبه افتخاری. (۱۳۸۹). «نشانه‌شناسی شعر: کاربست نظریه مایکل ریفاتر بر شعر» ای مرزپرگهر «فروغ فرخ‌زاد». فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی. شماره ۴. صص ۱۱۱-۱۳۰.
۶. توکلی، حمیدرضا. (۱۳۸۶). «نشانه‌شناسی واقعه دقوی». مطالعات و عرفان. شماره ۵. صص ۳۴-۵.
۷. حسین‌نیاکلور، مجتبی و فرزانه سجودی. (۱۳۹۰). «امکان شکل‌گیری ایهام بر صحنه تئاتر از دیدگاه نشانه‌شناسی». فصلنامه علمی پژوهشی نقد ادبی. شماره ۱۳. صص ۴۹-۶۷.
۸. حیاتی، زهرا. (۱۳۸۸). «بررسی نشانه‌شناختی عناصر متقابل در تصویرپردازی اشعار مولانا». فصلنامه نقد ادبی. شماره ۶. صص ۷-۲۴.
۹. داوودی مقدم، فریده. (۱۳۸۸). «سبک‌شناسی حکایت شیخ صنعان از دیدگاه تقابل نشانه‌ها». بهار ادب. شماره ۳. صص ۶۳-۸۰.
۱۰. رحمدل شرفشاهی، غلامرضا. (۱۳۸۴). «باران و تأویل نشانه‌شناختی پدیدارها در قرآن». فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز. پیاپی ۱۴. صص ۷۵-۹۸.

۱۱. سجودی، فرزانه، شاه طوسی، شهناز و فرحزاد، فرزانه. (۱۳۹۰) «بررسی و نقد ترجمه بین‌زبانی و بین‌نشانه‌ای مرگ دستفروش از دیدگاه نشانه‌شناسی انتقادی». پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی. دوره ۲. ش ۴. صص ۷۳-۹۰.
۱۲. (۱۳۸۸). «عملکرد نشانه‌شناسی زبان در آفرینش متن ادبی». فصلنامه زبان و ادب پارسی. شماره ۴. صص ۱۱-۲۱.
۱۳. فتحی، حسین. (۱۳۹۰). «نشانه‌شناسی مرکز زدایی و انزوای سوژه در داستان سگ ولگرد». ادب پژوهی. شماره ۱۵. صص ۸۳-۹۶.
۱۴. فرهنگ، سهیلا و محمدکاظم یوسف‌پور. (۱۳۸۹). «نشانه‌شناسی شعر «الفبای درد» سروده قیصر امین‌پور». فصلنامه علمی پژوهشی کاوش‌نامه. شماره ۲۱. صص ۱۴۳-۱۶۶.
۱۵. کاکه‌رش، فرهاد. (۱۳۸۸). «نشانه‌شناسی دریدا در غزلیات مولانا با تأکید بر ساختار شکنی». فصلنامه تخصصی عرفان. شماره ۲۲. صص ۱۹۷-۲۲۷.
۱۶. کامران، افسانه. (۱۳۸۵). «نشانه‌شناسی تبلیغات در ایران (با تأکید بر بیلبردهای شهر تهران)». همایش از تصویر تا متن ۹ و ۱۰ آبان: دانشگاه تبریز.
۱۷. مقدم، نسرین. (۱۳۸۸). «فرایند شناسایی محصول، نشانه‌شناسی و معناشناسی محصول، مطالعه موردی ظروف چای‌ساز». نشریه هنرهای زیبا. شماره ۳۷. صص ۷۷-۸۶.
۱۸. منصوری، مهرزاد. (۱۳۸۵). «تحول‌پذیری و تکامل نشانه‌ها و کاربرد آن در هنر». همایش از متن تا تصویری: ۸ و ۹ آبان. دانشگاه تبریز.
۱۹. منصوری، مهرزاد. (۱۳۸۶). «معادل‌یابی واژگانی در ترجمه از منظر نشانه‌شناسی». مطالعات ترجمه. شماره ۱۷. صص ۴۷-۵۷.
۲۰. مهمکارخیراندیش، پریسا. (۱۳۸۹). «نشانه‌شناسی تئاتر نو». پژوهش ادبیات معاصر جهان. شماره ۶۰. صص ۱۱۳-۱۲۶.
۲۱. میرباقری‌فرد، سید علی‌اصغر و زهره نجفی. (۱۳۸۸). «بررسی الگوی نشانه‌شناختی پیرس در زبان عرفانی مولانا». مجله بوستان ادب دانشگاه شیراز. شماره ۲. پیاپی ۵۶/۱. صص ۱۳۳-۱۵۶.

۲۲. نجفیان، آرزو و حیات مرادی و صدیقه قیومی. (۱۳۸۹). «نگاهی نشانه‌شناختی به واژه آیه در قرآن کریم». فصلنامه علمی پژوهشی نقد ادبی، شماره ۱۰. صص ۱۷۵-۲۰۳.

ج. پایان‌نامه

فرامرزی، حسن. (۱۳۸۷). «نشانه‌شناسی فیلم ده کیارستمی و کاربرد آن در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه شیراز.

د. منابع لاتین

- 28.Kress, G & Van Leeuwen, T. (1998). "Front page: (the critical) analysis of newspaper layout". In A. Bell & P. Garret (eds), *Approaches to Media Discourse*. Oxford: Blackwell. pp. 186-219.
- 29.Kress, G & Van Leeuwen, T. (2001). *Multimodal Discourse: The Modes & Media of Contemporary Communication*. London: Arnold.
- Kress, G & Van Leeuwen, T. (2002). "Color as a Semiotic mode: Note for a grammar of Color". *Visual communication*. 1(3). pp. 343-368.
- 30.Martin, J. R. (1992). *English Text: System & Structure*. Amsterdam: Benjamin's.
- 31.Namdarzade, Marzie (2011). "A Social Semiotic Analysis of Stevenson's *Dr. Jekyll & Mr. Hyde*". Unpublished M. A. Thesis in General Linguistics. Shiraz University.
- 32.Peirce, Charles Sanders (1931-58). *Collected Writings* (8 vols.) (eds. Charles Hartshorne, Paul Weiss & Arthur W. Burks). Cambridge: Harvard University Press.
- 33.Saint Martin, F. (1990). *Semiotics of Visual Language*. Bloomington: Indian University Press.
- 34.Saussure, Ferdinand de (1983). *Course in General Linguistics*. Trans. Roy Harris. London: Duckworth.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی